گزارشک

اولین مستند از سلبریتی‌های خارجی در «به اضافه مستند»

معمولا زندگی سلبریتی‌ها برای مردم جذابیت دارد و علاقه‌مند هستند از زندگی آنها بیشتر بدانند، به همین دلیل شبکه مستند آخرین قسمت از فصل سوم برنامه تلویزیونی «به اضافه مستند»، با پخش و بررسی مستند «باشگاه شهرت» به کارگردانی محمدحسن یادگاری را اختصاص به چنین موضوعی داده است.

به گزارش جام‌جم، در این قسمت از مستند مخاطبان می‌توانند روایتی از چگونگی به شهرت رسیدن سلبریتی‌ها از جمله: الیزابت تیلور، چارلی چاپلین، مرلین مونرو، جورج بست، دیوید بکهام و ... در زمان‌های مختلف را ببینند و تاثیرات مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی هر کدام از این سلبریتی‌ها را در دوره‌های مختلف بر روی جامعه‌شان بررسی می‌کند.

این روزها موضوع شهرت یا به اصطلاح عامه «سلبریتی» بسیار داغ است و با منتشر شدن یك عکس یا یك فیلم از چهره‌های معروف، موجی از صحبت‌ها و حواشی به راه می‌افتد. محمدحسن یادگاری در جدیدترین مستند خود سراغ سلبریتی‌های خارجی رفته است و نقش آنان را در عرصه‌های مختلف بر جامعه‌شان بررسی می‌کند.

این مستند که به کارگردانی محمدحسن یادگاری تولید شده است پیش از این در دهمین جشنواره فیلم عمار حضور داشت و با استقبال بسیار خوبی مواجه شد؛ حال این فیلم مستند برای اولین بار در تلویزیون و برنامه «به اضافه مستند» رونمایی خواهد شد.

در این قسمت و پس از پخش مستند، نشست کارشناسی و نقد و بررسی این مستند با حضور سینا کلهر معاون اجتماعی و فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس و محمدحسن یادگاری کارگردان این فیلم برگزار خواهد شد. علاوه بر این، محمدتقی فهیم و سعید قطبی‌زاده به نقد و بررسی فرمی این مستند خواهند پرداخت. این قسمت از برنامه به اضافه مستند امشب ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه پخش می‌شود.

آخرخط به پس از تولید رسید

علی مسعودی که تا امروز در نگارش سریال‌های مختلف به‌خصوص کمدی‌ها دست داشته، این روزها مشغول مجموعه جدیدی شده است.

«آخر خط» عنوان سریال تازه‌ای است که مسعودی به‌تازگی از تولید آن خبر داده و در گفت‌وگویی که با مهر داشت، بیان کرد: این سریال اکنون در مرحله پس از تولید همچون موسیقی و صداگذاری و ... است و هنوز زمان پخش آن مشخص نیست.

او درباره صحنه‌هایی از این سریال که قرار بود مرتبط با داعش باشد و در خارج از کشور تصویربرداری شود، عنوان کرد: این صحنه‌ها را در مشهد تصویربرداری کردیم و نشد در کشورهایی خارج از ایران به تولید برسانیم.

بحث کمبود بودجه هم موضوع دیگری بود که در این پروژه هم با آن روبه رو شدند و مسعودی درباره‌اش می‌گوید: همه پروژه‌ها با مشکلات بودجه مواجه می‌شوند. ما هم خیلی جاها مشکل بودجه داشتیم، چون واقعا پول نیست. کار ما هم کمی سنگین بود و مجبور شدیم به این ترتیب آن را به اتمام برسانیم.

این نویسنده در ادامه با اشاره به شروع نگارش یك فیلمنامه جدید برای تلویزیون توضیح داد: در حال حاضر روی قصه‌ای کار می‌کنم که سال ۶۶ در مشهد می‌گذرد. این قصه ارتباطی با جنگ ندارد و از فضایی طنز برخوردار است.

مسعودی در آخر یادآور شد: هنوز اسم قطعی این قصه مشخص نیست، اما سریالی ۱۵قسمتی است و خودم قرار است این کار را کارگردانی کنم. ماجرای این سریال از ۲۰ اسفند ۶۶ شروع می‌شود و تا ۱۳ فروردین ۶۷ طول می‌کشد و به اتفاقی مربوط می‌شود که در محل خودمان روی داده بود.

سریال‌های طنز هر روز در شبکه سه

سریال و فیلم‌های سینمایی طنز تا پایان سال قرار است هر روز روی آنتن شبکه سه بروند. شبکه سه به‌تازگی اقدام جدیدی را در دستور کار خود قرار داده است. به گزارش جام‌جم، این شبکه تا پایان امسال قرار است هر روز فیلم‌ها و سریال‌هایی که در قالب طنز هستند را روی آنتن ببرد. این که چرا چنین تصمیمی گرفته شده است هم موضوعی است که در این خبر درباره‌اش اعلام شده که با توجه به تعطیلی مدارس، دانشگاه‌ها و شرایط پیش آمده ناشی از بیماری کرونا در کشور، برنامه‌ریزی شبکه بر اساس نیاز مخاطب تغییر کرده و این تصمیم اتخاذ شده است.

بنا بر این گزارش، تکرار سریال طنز «مرد هزار چهره» از این شبکه پخش خواهد شد.

علاوه بر پخش سریال، در ایام پایانی سال جاری نیز به‌صورت روزانه فیلم‌های طنز سینمای ایران از شبکه سه پخش خواهند شد. «مرد هزار چهره» ساعت ۱۴ و فیلم‌های طنز سینمایی ساعت ۱۵ از شنبه تا پنجشنبه به روی آنتن شبکه سه خواهند رفت.

گفت‌وگو با کارگردان، نویسندگان و بازیگران سریال «از سرنوشت»

روایت شیرین تلخی‌ها

فاطمه عودباشی
فاطمه شهدوست
رسانه

۱۸سالگی برای هر کدام از آنها شروع داستانی سرنوشت‌ساز است، قصه‌ای که هنوز خیلی‌ها از آن بی‌خبرند اما هر روز در نزدیکی ما تکرار می‌شود و طبق یك قانون همیشگی انگار تا همیشه ادامه دارد. ماجرا داستان بچه‌هایی است که تقدیرشان به تنهایی گره خورده و عدد ۱۸ برای آنها زمانی برای یك پایان و البته آغاز جدید محسوب می‌شود؛ پایان ۱۸ سال آرامش نسبی در خانه‌هایی که آنجا بزرگ شده‌اند و شروع فصل تازه‌ای از زندگی با مبلغی که در اختیار آنها قرار داده می‌شود.

همه اینهایی که گفتیم مدتی است دستمایه داستان «از سرنوشت» شده؛ سریالی که این شب‌ها از شبکه دو روی آنتن رفته و این ماجرا را از دریچه رفاقت به تصویر کشیده است؛ قصه هاشم و سهراب که تا الان به فصل دوم رسیده و فصل بعدی آن هم به زودی پخش می‌شود. به همین مناسبت ما هم در جام‌جم میزبان گروهی از عوامل این مجموعه شدیم و با حضور علیرضا بذرافشان کارگردان، تیم نویسندگان: محمدمحمود سلطانی، روح‌ا... صدیقی و سارا خسروآبادی، بازیگران مجموعه: دارا حیایی، کیسان دیباج و فاطیما بهارمست از تلخ و شیرین این سریال گفتیم و شنیدیم.

اتفاقی در نگارش فیلمنامه سریال از سرنوشت رخ داده که تا به امروز کمتر شاهد آن بودیم و این‌که معمولا تعدد نویسندگان را در مجموعه‌های اپیزودیك شاهد بودیم، اما نه در سریالی که قصه پیوسته دارد و نکته جالب‌تر این است که در هر قسمت نام دو نویسنده در تیتراژ دیده می‌شود. در حالی که از سرنوشت چهار نویسنده دارد. آیا این به خواست خودتان بوده؟

محمدمحمود سلطانی، فیلمنامه‌نویس: ما به زعم خودمان گروه خوبی بودیم. البته خروجی کار هم این را می‌گوید. این گروه سریال اپیزودیك دیوار شیشه‌ای را با هم کار کرده بودند؛ ضمن این‌که آقای کرمی هم برای نگارش فصل سوم به جمع ما سه نفر (خودم، روح‌ا... صدیقی و سارا خسروآبادی) اضافه شد. درباره تیتراژ هم باید بگویم که به خواست خودمان این اتفاق افتاد که هر قسمت نام‌های دو نفر در تیتراژ باشد.

روح‌ا... صدیقی، فیلمنامه نویس: ما برای این سریال از نویسندگان دیگری هم دعوت کردیم، اما جهان ما یکی نشد. تا این‌که به این گروه رسیدیم. هر کدام از ما روی متن و شخصیت‌ها، کامل تسلط داشت و یکدیگر را تکمیل می‌کردیم و به یك میزان سهیم هستیم. البته اگر شما سریال‌های خارجی هم دیده باشید گاهی نام ده نویسنده برای نگارش یك قصه پیوسته دیده می‌شود.

مثل سریال خانه پوشالی؟

سلطانی: چیزی که مدنظر من است مثل سریال گیم‌آف‌ترونز. گاهی در یك قسمت نام دو نویسنده و در قسمتی دیگر نام چهار نویسنده در تیتراژ دیده می‌شود و به هیچ وجه کار از یکدستی خارج نمی‌شود.

یعنی اصلا دچار چالش نشدید؟ به هر حال میان رفقا هم اختلاف نظر پیش می‌آید.

خسروآبادی، فیلمنامه‌نویس: شیوه‌ای که ما در نگارش به آن رسیدیم، جالب بود؛ البته من کار گروهی انجام داده بودم، اما همیشه دو نفر بودیم (در سریال دنباله‌دار). اما این بار ماجرا فرق می‌کرد و سه نفر بودیم. به نظرم اگر آدم‌ها دنبال منیت نباشند، خیلی کار جلو می‌رود. در نگارش فیلمنامه یك بخش تکنیك هست و بخشی دیگر سلیقه. اگر ما دچار غرور و کبر شویم و بدون منطق پافشاری روی نظرات مان داشته باشیم نمی‌توانیم به نتایج دلخواه برسیم.

آقای بذرافشان با توجه به این‌که شما در کنار کارگردانی، فیلمنامه‌نویس هم هستید، آیا در فیلمنامه سریال از سرنوشت هم تغییراتی در صحنه دادید و دخالتی در نگارش این سریال داشتید؟

علیرضا بذرافشان، کارگردان فصل دوم: اگر از ابتدا در کنار گروه نویسندگان بودم، حتما دخالت می‌کردم؛ اما زمانی من و آقای خردمندان به عنوان کارگردان وارد پروژه شدیم که فیلمنامه کامل نوشته شده بود و فقط در زمان پیش تولید نظرات کلی دادیم که خیلی هم مختصر بود. یا تاکید می‌کردیم که بخش‌هایی خلاصه‌تر شود. در مجموع یك بخش کوچك، پررنگ‌تر شد که خود نویسندگان انجام دادند که یکی از آن بخش‌ها قصه هاشم با صالح بود.

یعنی در صحنه تغییرات ندادید؟

بذرافشان: نه، من در صحنه دست نمی‌زنم و زمانی وارد فرآیند ساخت می‌شوم که مطمئن هستم می‌خواهم فیلمنامه را کار کنم، به همین دلیل ذهنم را می‌بندم و فقط به اجرا فکر می‌کنم.

ولی آقای خردمندان در گفت‌وگو با یکی از همکاران روزنامه اعلام کرده که سر صحنه فیلمنامه را تغییر می‌داد.

خسروآبادی: جالب این است که تغییر چندانی ندادند و به فیلمنامه لطف داشتند و به آن وفادار بودند!

سلطانی: محمدرضا کارگردانی درجه یك است. اتفاقا چندی پیش با هم صحبت می‌کردیم که با کمترین تغییر در فیلمنامه سریال ساخته شده است. شاید خبرنگار درست برداشت نکرده حرفشان را.

> **خسروآبادی:** برای نگارش فیلمنامه خیلی با هم صحبت می‌کردیم و گاهی هم چالش داشتیم، اما مهم این بود که با منطق جلو می‌رفتیم. صلاح متن را در نظر می‌گرفتیم، نه صلاح خودمان را. ضمن این‌که طرح برای آقایان سلطانی و صدیقی بود و بعد از تصویب فیلمنامه از من برای همکاری دعوت شد

صدیقی: اتفاقا آقای خردمندان برای هر تغییر جزئی در حد تغییر یك شیء دراماتیك در صحنه هم با ما تماس می‌گرفت و مشورت می‌کرد تا ضربه‌ای به بدنه قصه نخورد و یا اگر با سکانسی به مشکل می‌خورد از خود ما می‌خواست که مشکل را در فیلمنامه حل کنیم و برای گروه بفرستیم.

ولی میان شخصیت‌های سریال، لحن و حرف زدن آرزو اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد. خودتان این طور حس نمی‌کنید؟

صدیقی: این‌که چرا آرزو به نظر شما اغراق‌آمیز می‌آید در بحث کارگردانی آقای بذرافشان پاسخ می‌دهند، اما به لحاظ فیلمنامه باید بگویم که درباره آرزو خیلی فکر کردیم و به دنبال دختری غیر متعارف بودیم.

بذرافشان (با خنده): پس الان اشکال به کارگردانی برمی‌گردد!

صدیقی (با خنده): نه منظورم این بود که در بخش کارگردانی شما صحبت کنید.

بذرافشان: آرزو دختری خارج از کلیشه‌های تلویزیون است که تا به امروز نمونه او نشان داده نشده است، به همین دلیل برایتان معمول نیست. اگر موضوع دقیق آسیب‌شناسی شود، حتما پخش می‌شود. ضمن این‌که نغمه، هاشم، سهراب و آرزو در سنی قرار دارند که بسیار بحرانی است و خطرناك. ممکن است خیلی سریع عاشق شده و همین منجر به پیامدهای منفی در زندگی‌شان شود. از سوی دیگر اقتضای سن‌شان است. اتفاقا دوستی برایم تعریف می‌کرد که اولین بار در ۱۸سالگی عاشق شده و ازدواج کرده، اما بعد دچار مشکلات بسیاری شده و حالا سومین ازدواجش را انجام می‌دهد. به همین دلیل ما می‌خواستیم بحران این سن را نشان بدهیم.

آقای دیباج، نقش سهراب هم با چالش‌های زیادی همراه بود، گاهی عاشق آرزو بود و برخی مواقع تصمیم می‌گرفت که دیگر با آرزو کار نداشته باشد. تا چه میزان از تجربه تئاتری‌تان استفاده کردید؟

کیسان دیباج، بازیگر نقش سهراب: سعی کردم طبق فیلمنامه و چیزی که کارگردان از من می‌خواهد اجرا کنم. فیلمنامه خیلی خوب نوشته شده بود و شخصیت‌ها درست و دقیق بودند. من هم به عنوان بازیگر سعی کردم که تمام انرژی‌ام را برای نقش بگذارم.

نگران نبودید از پس چالش‌ها بر نیایید؟

دیباج: طبیعی است که من هم نگرانی‌های خودم را داشتم و هر نقشی هم سختی‌ها و چالش‌های خودش را دارد. اما تلاش کردم کار را به نحو مطلوب انجام بدهم.

بذرافشان (با خنده): البته تجربه‌های شخصی دوستان هم بی‌تاثیر نبوده!

دیباج: تجربه‌های محیطی هم تاثیرگذار بود و کمك کرد تا درست‌تر ایفا کنم.

بذرافشان: تفکرات دهه هفتادی‌ها کاملا با ما فرق می‌کند و خیلی عجیب و متفاوت به عشق نگاه می‌کنند. برای من هم کار کردن با این دهه تجربه جدیدی بود و خیلی چیزها از آنها متوجه شدم.

سلطانی: من درباره کارگردانانمان باید بگویم که واقعا درجه یك هستند و فیلمنامه ما را به بهترین شکل ساختند. معمولا من درباره کارهایم پست نمی‌گذارم، اما این بار با افتخار انجام دادم.

آقای حیایی! با توجه به این‌که شما پدرتان هنرمند هستند، قبل از شروع سریال از سرنوشت، آیا درباره نقش‌تان با هم صحبت کردید و درباره چالش‌های نقش هاشم همفکری داشتید یا نه؟

دارا حیایی، بازیگر نقش هاشم: پدرم قبل از شروع کار به من تاکید داشت که هر آنچه کارگردان می‌خواهد اجرا کنم. برای درآوردن شخصیت هاشم هم همه زحمات به گردن آقای بذرافشان بود. حتی من نمی‌دانستم که چطور باید به فیلمنامه نگاه کنم و برای ایفای نقش الهام بگیرم. همه این موارد را کارگردان زحمت کشید و به من یاد داد.

شما قبل از بازی در این سریال در فیلم سینمایی شعله‌ور بازی کرده بودید. یعنی در آن کار یاد نگرفته بودید که چطور به فیلمنامه نگاه کنید؟

حیایی: به خاطر این‌که ما برای آن فیلم فیلمنامه نداشتیم و روز به روز برگه‌ای از فیلمنامه می‌آمد و به من می‌گفتند که چه‌کار کنم. به همین دلیل با سریال

سارا

شما در این سریال سراغ یکی از واقعیت‌های اجتماعی رفتید که در آن نشان می‌دهد بچه‌های بی سرپرست باید در ۱۸ سالگی با مبلغ ناچیزی پرورشگاه را ترك کنند، این موضوعی است که کمتر به آن پرداخته شده و برایمان جالب است بدانیم چه شد شما به آن رسیدید؟

سلطانی: این موضوع دقیقا نقطه شکل گیری سریال است. چند سال قبل من در اینترنت به طور اتفاقی مصاحبه‌ای را از پسربچه‌ای به نام ظفر دیدم که شش انگشتی است، وکیل شده و از پرورشگاه آمده بود؛ بادیدن آن متوجه شدم خیلی از بچه‌ها در مدرسه نمی‌گویند پرورشگاهی هستند تا به آنها ترحم نشود، بزرگترین آرزویشان داشتن خانواده است و بخش جالب توجه آن این بود که نوشته بود در ۱۸ سالگی با کارت عابربانکی که به آنها می‌دهند باید آنجا را در هر شرایطی ترك کنند. همان موقع بود که به ذهن من چیزهایی رسید. در ادامه هم آن را با صدیقی در میان گذاشتم و ادامه ماجرا شکل گرفت.

صدیقی: همان زمان بود که با شنیدن کلیت ماجرا من تصویری را در ذهنم دیدم که در آن دو بچه ۱۸ساله با چمدان‌ها و دو عابربانك جلوی پرورشگاه هستند و هیچ جایی ندارند که بروند. همین تصویر مطمئنم کرد که این اثر قابلیت سریال شدن را دارد.

آقای بذرافشان، شما کردید و عشق تینیجری میان شخص حتی جالب است بدون ممیزی این صح قبلی‌تان همچون گسل، نابرده رنج و ... د اولین قصه عشق‌های تینیجری را در تلویزیو

بذرافشان: من علاقه‌ای به منیت ندارم. این همراه نویسندگان بودم، حتما به دوستان نویسنده تاکید می‌کر نویسنده با هم مرزها را جلو بردند و خوشبختانه پخش هم شد. م زمانی که جوان ۲۰ ساله پای سریال می‌نشیند، شخصیت‌ها را دور از خود

در طول قصه نغمه حس دوگانگی که از آن گفته شد را شاید بیشتر از خ و با پا پس کشیدن است...

بهارمست: بله این اتفاقی است که بخش زیادی از آن در فیلمنامه وجود دادم و سختی خودش را داشت، این بود که آقای بذرافشان مدام به من یاد رفتارهایش باید در سطح اتفاق بیفتد و چیزی را عمیق نکن؛ جریانی که در نگاه